

متن پرسش

بسم رب الحسین/با عرض سلام خدمت استاد عزیز آیا اینکه ما فلسفه ها را به درست و نادرست یا حق و باطل تقسیم بندی کنیم با آزاداندیشی-که از تاکیدات رهبری حکیم انقلاب هست-منافات ندارد؟ آیا این احتمال وجود ندارد که با تقسیم فلسفه ها به حق و باطل آزاد اندیشی دفن شود و ما در صدد تحمیل عقاید و ایدئولوژی خود به سایر اندیشه ها برآییم؟ آیا این باعث نخواهد شد که ما در دام بنیادگرایی و طالبانیسم نظری اسیر شویم و تفکر را به اسارت ایدئولوژی در آوریم؟ به نظر من اگر به آزاداندیشی آسیبی وارد آید این آسیب قطعاً حجاب حقیقت اسلام خواهد شد و زمینه را برای رشد قارچ گونه نامحرمان سرای حق مساعدتر خواهد کرد و شاید این تقسیم بندی باعث زایش روز افزون خشونت-چه در نظر و چه در عمل- شود. آیا این که ما با پیش فرض های ذهنی و عقیدتی خودمان به ساحت تفکر وارد شویم اندیشه را عقیم و ابتر نخواهد کرد و حجاب حقیقت نخواهد شد؟ خواهان نظر حکیمانه شما استاد گرانقدر و عزیز هستم.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: فلسفه به معنای واقعی آن عبارت است از جستجوی حقیقت منتها بعضاً دیده می شود که عده ای به نام فیلسوف ابزارهای خدادادی حقیقت را تعطیل می کنند و تنها به حسّ خود محدود می شوند. در این حالت است که می گوئیم اینان به دنبال حقیقت نیستند زیرا حقایق بالاتر از آن است که تنها خود را در محدوده ی محسوسات ظاهر نماید، ما علاوه بر حسّ، برای رسیدن به حقیقت، عقل و قلب هم داریم و فلسفه ای حقیقتاً به جستجوی حقیقت است که برای رسیدن به حقیقت همه ی امکانات بشری را جهت یافتن حقیقت به کار گیرد. بنده معتقدم اگر حسّ و عقل و قلب را به درستی جلو ببریم به حکمت متعالیه ای می رسیم که بر اصالت وجود و تشکیکی بودن آن نظر دارد. موفق باشید